

ایران بین دو انقلاب

درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر

یرواند آبراهامیان

ترجمه
احمد گل محمدی
محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی



نشر فی

فهرست

۱	پیش‌گفتار
۵	درآمد

بخش یکم. پیشینه تاریخی

۱۳	یکم. سده نوزدهم
۱۴	ساختار اجتماعی
۲۵	سازمانهای غیرطبقاتی
۳۳	ستیزهای غیرطبقاتی
۴۲	کشمکشهای غیرطبقاتی و آگاهی طبقاتی
۴۷	پادشاهان قاجار
۶۵	دوم. انقلاب مشروطه
۶۵	نفوذ و تأثیر غرب
۷۵	طبقه متوسط سنتی
۷۹	روشنفکران
۸۹	از اعتراض تا انقلاب (۱۲۷۹-۱۲۸۴ / ۱۸۹۹-۱۹۰۵)
۱۰۳	انقلاب (خرداد ۱۲۸۴ - مرداد ۱۲۸۵ / ژوئن ۱۹۰۵ - اگوست ۱۹۰۶)
۱۱۰	مبارزه برای مشروطیت (مرداد ۱۲۸۵ - خرداد ۱۲۸۷ / اگوست ۱۹۰۶ - ژوئن ۱۹۰۸)
۱۱۷	جنگ داخلی (خرداد ۱۲۸۷ - تیر ۱۲۸۸)
۱۲۸	سوم. رضاشاه
۱۲۸	دوره از هم پاشیدگی (۱۲۸۸-۱۲۹۹ / ۱۹۰۹-۱۹۲۱)
۱۴۸	ظهور رضاشاه (۱۲۹۹-۱۳۰۴ / ۱۹۲۱-۱۹۲۵)
۱۶۹	سلطنت رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

دولت رضاشاه و جامعه ایران ۱۸۵

بخش دوم. سیاست ستیز اجتماعی

چهارم. نظام سیاسی در حال دگرگونی: از پادشاهی نظامی به پادشاهی ضعیف و گرفتار ۲۰۷

آغازی دوباره ۲۰۷

مجلس سیزدهم (آبان ۱۳۲۰ - آبان ۱۳۲۲) ۲۱۶

انتخابات مجلس چهاردهم (آبان - بهمن ۱۳۲۲) ۲۲۸

گشایش مجلس چهاردهم (بهمن - اسفند ۱۳۲۲) ۲۴۴

مجلس چهاردهم (اسفند ۱۳۲۲ - اسفند ۱۳۲۴) ۲۴۹

پنجم. نظام سیاسی در حال دگرگونی: از پادشاهی ضعیف و گرفتار به پادشاهی نظامی ۲۷۷

نخست وزیر قوام (بهمن ۱۳۲۴ - آذر ۱۳۲۶) ۲۷۷

انتخابات مجلس پانزدهم (آذر ۱۳۲۵ - تیر ۱۳۲۶) ۲۹۶

مجلس پانزدهم (تیر ۱۳۲۶ - مرداد ۱۳۲۸) ۲۹۸

انتخابات مجلس شانزدهم (تیر ۱۳۲۸ - بهمن ۱۳۲۸) ۳۰۹

مجلس شانزدهم (بهمن ۱۳۲۸ - اردیبهشت ۱۳۳۱) ۳۲۱

نخست وزیر مصدق (اردیبهشت ۱۳۳۰ - مرداد ۱۳۳۲) ۳۲۹

ششم. حزب توده ۳۴۶

شکل گیری (مهر ۱۳۲۰ - مهر ۱۳۲۱) ۳۴۶

گسترش در شمال (آبان ۱۳۲۱ - مرداد ۱۳۲۳) ۳۵۷

گسترش در جنوب (مرداد ۱۳۲۳ - مهر ۱۳۲۵) ۳۶۸

سرکوب (مهر ۱۳۲۵ - بهمن ۱۳۲۸) ۳۷۵

تجدید حیات (اسفند ۱۳۲۹ - مرداد ۱۳۳۲) ۳۹۱

هفتم. پایگاه طبقاتی حزب توده ۴۰۱

نمودار ترکیب طبقاتی ۴۰۱

طبقه متوسط حقوق بگیر ۴۰۶

طبقه کارگر شهری ۴۲۷

طبقه متوسط مرفه ۴۵۷

توده های روستایی ۴۶۲

۴۷۲ هشتم. پایگاه قومی حزب توده
۴۷۲ نمودار ترکیب قومی
۴۷۴ مسیحیان
۴۷۸ آذری‌ها

بخش سوم. ایران معاصر

۵۱۵ نهم. سیاست توسعه ناهمگون
۵۱۵ تثبیت قدرت (۱۳۳۲-۱۳۴۲)
۵۲۴ توسعه اجتماعی - اقتصادی (۱۳۴۲-۱۳۵۶)
۵۳۵ توسعه نیافتگی سیاسی (۱۳۴۲-۱۳۵۶)
۵۴۹ ایران در آستانه انقلاب
۵۵۴ دهم. مخالفان
۵۵۴ احزاب سیاسی (۱۳۳۲-۱۳۵۶)
۵۸۳ مخالفان روحانی (۱۳۴۲-۱۳۵۶)
۵۹۱ سازمانهای چریکی (۱۳۵۰-۱۳۵۶)
۶۱۲ یازدهم. انقلاب اسلامی
۶۱۲ اعتراض طبقه متوسط (اردیبهشت ۱۳۵۶ - خرداد ۱۳۵۷)
۶۲۹ اعتراض طبقه متوسط و طبقه کارگر (خرداد - آذر ۱۳۵۷)
۶۴۷ سرنگونی شاه (دی - بهمن ۱۳۵۷)

نتیجه گیری

۶۶۳ کتابشناسی
۶۶۳ کتابنامه‌ها
۶۶۳ الف - انگلیسی
۶۶۴ قرن نوزدهم
۶۶۴ انقلاب مشروطه
۶۶۵ دوران معاصر
۶۶۷ حزب توده
۶۶۷ کتابنامه تکمیلی

- ب - فارسی ۶۶۸
- قرن نوزدهم ۶۶۸
- انقلاب مشروطه ۶۶۸
- دوران معاصر ۶۶۹
- حزب توده ۶۷۱
- کتابنامه تکمیلی ۶۷۳
- نمایه ۶۷۵

یکم

سده نوزدهم

شاه هرکاری بخواهد می‌تواند انجام دهد، سخنش قانون است. این ضرب‌المثل که: «قانون مادها و پارسها تغییرناپذیر است» صرفاً سخنان قدیمی زایدی درباره حکومت خودسرانه بوده است. شاه همه وزیران را منصوب می‌کند و می‌تواند وزرا، صاحب‌منصبان، مأموران و قاضیان را برکنار کند. زندگی و مرگ همه افراد خانواده شاه در دست اوست و هیچ‌کدام از مأموران لشکری و کشوری که در خدمت شاه‌اند، از این قانون مستثنا نیستند. افرادی که مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و یا معدوم می‌شوند، اموالشان به سلطان می‌رسد و حق سلب حیات در هر حال فقط در اختیار اوست. اما وی می‌تواند این حق را به کارگزاران یا نواب خود واگذار کند. همه اموالی که قبلاً به وسیله مقام سلطنت تفویض و یا خریداری نشده باشد و در واقع هرگونه مالی که اثبات حق قانونی نسبت به آن مقدور نباشد به او تعلق دارد، وی می‌تواند آن مال را به هرکه دلخواه اوست انتقال دهد. همه حقوق و امتیازات؛ مانند خدمات عمومی، استخراج معادن، کشیدن خطوط تلگراف، ساختن جاده، راه‌آهن، تراموای و غیره و حق بهره‌برداری از همه منابع کشور متعلق به اوست. سه قوه حکومت، یعنی، مقننه، قضائیه و مجریه در وجود او متمرکز است و هیچ‌گونه قید و الزامی نمی‌توان بر شاه تحمیل کرد. تنها رعایت صوری آداب مذهب ملی بر او واجب است. وی محور زندگی عمومی در کشور است.

– G. Curzon, *Persia and the Persian Question*, I, 433.

گرچه مردم رسماً کلاتر و کدخدا را انتخاب نمی‌کنند، نظر آنها در تعیین این افراد دخیل است. اگر پادشاه کلاتری را تعیین کند که مورد پذیرش مردم نباشد، از اداره امور ناتوان خواهد بود، زیرا در بین مردم احترام و اعتبار لازم را برای انجام این کار نخواهد داشت. در شهرهای کوچک و روستاها نیز تعیین کدخدا به همین صورت است: اگر کسی معین شود که روستاییان

پیشینه شرم‌آور انقلاب مشروطه نبوده، بلکه دوره جالبی نیز محسوب می‌شود؛ دوره‌ای که به دلیل شایستگی‌های ارزش بررسی و پژوهش دارد. البته دست‌یابی تدریجی به دیدگاهی گسترده‌تر نسبت به گذشته، حسرت^۱ دوران سپری شده را خوردن و همچنین آگاهی تدریجی از اینکه ایران سده نوزدهم علی‌رغم عقب‌ماندگی اقتصادی‌اش، سرزمینی آکنده از تنوعات بی‌پایان، پیچیدگی اجتماعی و شکافهای منطقه‌ای بوده است، موجب این تغییر موضع نسبت به تاریخ سده نوزدهم ایران (تغییر موضع از طرد و تقبیح کلی به بررسی تحلیلی) شد. در یکی از نوشته‌های اخیر، این ساختار اجتماعی به موزاییک رنگارنگ یا شهرفرنگی پیچیده تشبیه شده است.^۲

ویژگیهای طبیعی ایران، زمینه و علت این تنوع اجتماعی بود. نبود رودخانه‌ها و دریاچه‌های قابل کشتیرانی، بارش بسیار اندک باران - بارش سالانه نیمی از کل مساحت کشور کمتر از بیست و پنج سانتیمتر است - و نیز وجود صحرای پهناور مرکزی که چهار رشته کوه عظیم - زاگرس، البرز، مکران و ارتفاعات دیگر - آن را احاطه کرده است، موجب چندپارگی جمعیت در روستاهای دورافتاده، در شهرهای جدا افتاده و قبایل خانه به‌دوش شده بود. روستائینی که در سال ۱۸۵۰/۱۲۲۹ بیش از ۵۵٪ جمعیت ده‌میلیونی کشور را تشکیل می‌دادند، تقریباً در ۱۰,۰۰۰ منطقه مسکونی زندگی می‌کردند. حتی یک سده بعد که این جمعیت ده‌میلیونی تقریباً دوبرابر شده بود، میانگین ساکنان روستاها به کمتر از ۲۵۰ نفر می‌رسید (رک: جدول شماره ۱). جمعیت شهری که کمتر از ۲۰ درصد مردم کشور را دربرمی‌گرفت، تقریباً

از او راضی نباشند، درگیری و اختلاف پدید می‌آید، تا اینکه سبب عزل یا استعفای او شود. ملاحظه این امور مهم است، زیرا برای رفاه مردم هیچ‌چیزی مهمتر از آن نیست که رؤسا و ریش‌سفیدان را انتخاب کنند یا در انتخاب آنها دخالت داشته باشند.

- J. Malcolm, *History of Persia*, II, 324-25.

ساختار اجتماعی

آر. اچ. تاوونی می‌گوید: «گذشته چیزی را برای حال آشکار می‌کند که حال قادر به مشاهده آن باشد.»^۱ گرچه این گفته به تعبیر و تفسیرهای گوناگون از تاریخ اروپا مربوط می‌شود، برای فهم برداشتهای روشنفکران سده بیستم از ایران سده نوزدهم مناسب است. نخستین نسل از روشنفکران سده بیستم که از پشت منشور باریک انقلاب مشروطه با دقت به گذشته می‌نگریست، در گذشته نزدیک خود چیزی جز دولتی فاسد که به ملت ستم می‌کرد، نمی‌یافت.^۲ نسل دوم که علیه محافظه‌کاری مذهبی مبارزه می‌کرد از توجه به این دوره، به‌عنوان دوره ننگین جزم‌اندیشی، تعصب و کلی‌ریکالیسم^۳ خزنده برائت می‌جست.^۴ سومین نسل که تحت نفوذ مارکسیسم بود، همان دوره را به مثابه دوران فئودالیسم در حال افولی که در آن مشتی زمین‌دار فاسد، طبقات پایین روستایی را استثمار می‌کردند، مردود می‌شمرد.^۵ فقط روشنفکران نسل حاضر بودند که پی بردند سده نوزدهم صرفاً

1. R. H. Tawney, *Religion and the Rise of Capitalism* (New York, 1926), p. 3.

۲. برای مطالعه نخبگان / توده سده نوزدهم ایران رک: مذاکرات مجلس شورای ملی ایران، مجلس اول (۱۲۸۵-۱۲۸۶). در این دوره بیست نماینده جامعه خود را متشکل از نخبگان دولتی و ملت می‌دانستند. تنها دو نماینده آن را متشکل از طبقات اجتماعی می‌دانستند. طبقه در این دوره به صورت مبهمی - مثلاً در قانون انتخابات سال ۱۲۸۵ - برای توضیح هرگونه تقسیم‌بندی اجتماعی، مانند اقلیت‌های دینی و نیز شش طبقه اصلی اجتماعی: شاهزادگان، اشراف، اعیان، علما، تجار، اصناف و مالکان به کار گرفته می‌شد.
۳. Clericalism، در مفهوم اصلی به حکومت کشیشان به‌ویژه در اروپای سده‌های میانی اشاره دارد و منظور نویسنده نفوذ آرام و تدریجی روحانیون و سایر نیروهای مذهبی در سیاست سده نوزدهم ایران است. - م.
۴. برای آگاهی از تفسیرهای ضد روحانیون در ایران سده نوزدهم رک: «انقلاب فرانسه و انقلاب آینده ایران»، ایرانشهر، ۱ (اردیبهشت ۱۳۰۲)، ۲۸۲-۲۹۳؛ ح. کاظم‌زاده، «مذهب و ملیت»، ایرانشهر، ۳ (آذر ۱۳۰۳) ۱-۴۵؛ ا. کسروی، «اسلام و ایران»، پیمان، ۱ (بهمن ۱۳۲۱)، ۹-۱۰؛ و ا. کسروی، «تاریخ مختصر»، پرچم، (۱۰ اسفند ۱۳۲۱).

۵. برای آگاهی از تفسیرهای مختصر درباره طبقه، در سده نوزدهم ایران، رک: ملک‌الشعراى بهار، تاریخ

احزاب سیاسی ایران، (تهران، ۱۳۲۳)، صص ۲ و ۳۲۰؛ «مبارزه طبقاتی»، مردم، ۳ (اردیبهشت ۱۳۲۲)؛ ا. قاسمی، جامعه را بشناسید، (تهران، ۱۳۲۷)؛ ا. آوانسیان، «شکافهای طبقاتی» رهبر (۸ آبان ۱۳۲۵)؛ ا. طبری، «درباره انقلاب مشروطه» مردم، ۲ (مرداد - شهریور ۱۳۲۷)، صص ۸۱-۸۰؛ ح. ارستجانی، «مبارزات طبقاتی در ایران» داریا، ۲۷-۳۱ تیر ۱۳۲۳؛ ا. خلعتبری، اریستوکراسی ایران (تهران، ۱۳۲۳)؛ ح. حکیم‌اللهی، شهر دموکرات (تهران، ۱۳۲۵). تأثیر دیدگاههای طبقاتی در مجلس در میان نمایندگان محافظه‌کار نیز نمود پیدا کرده بود. مثلاً، در مجلس شانزدهم (۱۳۲۷-۱۳۲۷) در مقایسه با مجلس اول ۲۲ نماینده جامعه خود را به‌عنوان جامعه‌ای که به طبقات منخاصم تقسیم شده است، توصیف می‌کردند؛ تنها دو نماینده دیدگاه قدیمی تقسیم جامعه به دو بخش (نخبگان دولتی / توده) را حفظ کرده بودند.

1. nostalgia

2. J. Bill and C. Leiden, *The Middle East: Politics and Power* (Boston, 1974). pp.